

تأملاتی گذرا درباره امام خمینی (س)، زعامت دینی و حکومت اسلامی

دیدار با استاد مهدی حائری یزدی^۱

اشاره: آنچه در پی می‌آید برگرفته از دیدار و گفتگویی است که در تاریخ پنجشنبه ۷۷/۱۱/۲۲ در منزل جناب آقای دکتر حائری توسط خانم دکتر فاطمه طباطبایی و آقایان دکتر نجفقلی حبیبی و محمدمهدی مجاهدی (اعضای هیأت تحریریه) با ایشان صورت پذیرفته است.

هتین: از جنابعالی به خاطر فرصتی که با وجود بیماری و کسالت در اختیار ما قرار دادید بسیار سپاسگزاریم. پیش از این بنا بود که از محضر حضرت تعالی برای طرح برخی از مباحث فلسفی و عرفانی و نیز مباحثی در

آیت‌الله دکتر مهدی حائری یزدی از مفاخر علمی معاصر کشور و فرزند حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی^(ره) بنیانگذار حوزه علمیه قم و بزرگترین مرکز علمی جهان تشیع می‌باشند. ایشان علوم عقلی را نزد استادانی همچون امام خمینی (س)، حکیم و فیلسوف نامدار، آیت‌الله میرزا مهدی مدرس آشتیانی و علوم نقلی را نزد استادانی همچون آیت‌الله حاج سید احمد خوانساری، آیت‌الله حاج سید محمد حجت کوهکمری و سرانجام آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی^(ره) آموخته‌اند. سپس به عنوان نماینده مرحوم آیت‌الله بروجردی به آمریکا و کانادا رفتند و به تحصیل و تدریس فلسفه پرداختند. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران بازگشتند و در دانشکده الهیات تهران در زمینه فلسفه و خصوصاً فلسفه تطبیقی مشغول به تدریس شدند. مهمترین آثار ایشان عبارتند از: علم کلی، کاوشهای عقل نظری، کاوشهای عقل عملی، آگاهی رگواهی، هرم هستی، حکمت و حکومت و تقریرات کامل اصول فقه مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی.

حوزه فلسفه سیاسی استفاده کنیم ولی طبیعتاً بیماری و کسالت جناب‌عالی طرح این مباحث را به آینده موکول می‌کند. اما این فرصت را مغتنم می‌شماریم و از محضرشان تقاضا می‌کنیم که به عنوان یکی از پرسابقه‌ترین و برجسته‌ترین شاگردان حضرت امام (س)، از سابقه‌آشنایی خود با ایشان برای ما بگویند.

حائری یزدی: مرحوم امام نزد مرحوم آیت‌الله رفیعی قزوینی منظومه خوانده بودند، اما این کتاب را چنان خوانده بودند که پس از آن توانسته بودند اسفار را تدریس کنند. من و مرحوم آیت‌الله سید رضا صدر اولین شاگردان اسفار ایشان بودیم. من حدود بیست سال با ایشان رابطه علمی داشتم و بیش از ده سال تمام، همه کتاب اسفار را به استثنای مبحث «جواهر و اعراض» نزد ایشان آموختم. قدری هم نزد ایشان رسائل خواندم. ایشان در فلسفه به مشرب و مذاق سهروردی دلبستگی خاص داشتند.

متین: گویا ایشان علاقه شدیدی هم به ملاصدرا داشتند.

حائری یزدی: شیفتگی ایشان به ملاصدرا هم نه به وجه مشائی بلکه به وجه اشراقی فلسفه او معطوف بود. مرحوم آقای شاه‌آبادی که به قم آمدند، نزد مرحوم والد (آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی)، فقه می‌خواندند. مرحوم امام آموختن عرفان را با شرح فصوص الحکم قیصری و بخشهایی از فتوحات مکیه محی‌الدین عربی نزد مرحوم آقای شاه‌آبادی آغاز کردند. بعدها که من به عنوان نماینده مرحوم آیت‌الله بروجردی به امریکا رفتم و به آموختن فلسفه غرب مشغول شدم، گهگاه که مشکلاتی در فهم و دریافت برخی از متون عرفانی پیش می‌آمد، سؤال را برای مرحوم امام می‌فرستادم و ایشان به من پاسخهای محبت‌آمیزی می‌دادند. در یکی از این نامه‌ها بود که به حقیقی بودن علم عرفان اشاره کرده بودند.

تا پیش از آنکه مرحوم آیت‌الله بروجردی به قم بیایند مذاق ضد فلسفی یا فلسفه

گریزی در حوزه بسیار شدید بود. ایشان در درسهای اصولشان، مبحث موضوع علم را با نگرشی فیلسوفانه حل کردند. مرحوم امام می‌گفتند که تا کنون موضوع علم را کسی به این خوبی حل نکرده است. همین رویکرد فیلسوفانه سبب شد برخی از طلاب خوش‌ذهن حوزه به سوی فلسفه متمایل شوند. برای اینکه این مسأله روشنتر شود شما می‌توانید بعداً به کتاب قریب‌الانتشار من، که تقریرات کامل اصول فقه مرحوم آیت‌الله بروجردی است مراجعه کنید و شَمّ فیلسوفانه ایشان را در مباحث اصولی دریابید.

متین: به طور اجمال می‌دانیم که امام علاوه بر اینکه در مهاجرت مرحوم آیت‌الله بروجردی به قم برای رونق‌بخشیدن به حوزه قم نقش مؤثری داشتند، در آن دوران هم نسبت به امور سیاسی حساس بودند و مثلاً کتاب «کشف الاسرار» ایشان، بیانگر این وجه شخصیت ایشان در آن دوران است. اما می‌بینیم که در دوره زعامت آیت‌الله بروجردی سکوت اختیار می‌کنند. جنابعالی به عنوان یکی از شخصیت‌هایی که در آن دوره از نزدیک شاهد وقایع بودید، این واقعیت را چگونه توصیف می‌کنید؟

حائری یزدی: مرحوم آیت‌الله بروجردی و مرحوم امام، با یکدیگر اختلاف روش داشتند. این سوای رابطه مرید و مرادی و علاقه شدید دو طرفه‌ای بود که میان ایشان در آغاز برقرار بود. کم‌کم برخی از مسائل پیش آمد که این اختلاف سلیقه و روش خود را بیشتر نشان داد. مثلاً در مورد چگونگی اداره حوزه قم دو تجربه از حوزه‌های دیگر علمیه وجود داشت که یکی بر اساس رتبه‌بندیهای علمی بود و دیگری مبتنی بر تألیف قلوب طلاب، اما هیچ‌یک به طور کامل مورد قبول مرحوم آیت‌الله بروجردی نبود. طرح رتبه‌بندی طلاب بر اساس امتحان - نه به طور ظنی و نظری - از سوی مرحوم امام و مرحوم اخوی (آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی) به طور جدی پی‌گیری شد. مسائلی پیش آمد که مخالفت آیت‌الله بروجردی با این طرح به کدورتی میان ایشان و

مرحوم امام منجر شد. از طرفی مسأله اخراج برخی از متحصنان سیاسی که به بیت آیت‌الله بروجردی آمده بودند مورد مخالفت مرحوم امام قرار گرفت و خود این واقعه زمینه اختلاف دیگری را پیش آورد هر چند بعدها این رابطه تا حدودی التیام یافت. مرحوم امام علی‌رغم همه این مسائل به خاطر اعتقاد به زعامت آیت‌الله بروجردی و همچنین علاقه‌ای جدی که به ایشان داشتند، همه مراتب احترام را ادا می‌کردند. ذوره سکوت مرحوم امام را هم می‌توان در چهارچوب همین اعتقاد و احترام ایشان به زعامت آیت‌الله بروجردی فهمید.

متین: پدیده تأمل‌انگیزی که در مورد رابطه جناب‌عالی با حضرت امام (س) مشاهده می‌شود این است که شما در عین حال که به نقادی آرای امام می‌نشینید، از شدت علاقه و عاطفه نسبت به ایشان از سیر تأثرگهگاه حتی نام ایشان را به راحتی نمی‌توانید بر زبان آورید. این پدیده از آن جهت تأمل‌انگیز است که ما نیز در این پژوهشکده با این سؤال روش‌شناختی رو به رو هستیم که چگونه می‌توان در عین ارادت و علاقه عاطفی به موضوع تحقیق، شرایط یک کار علمی دقیق را نیز بخوبی در مورد آن ادا کرد؟

حائری یزدی: علاقه و محبت دو گونه است: روان‌شناختی (Psychological) و تجربی (Emprirical). علاقه روان‌شناختی، شیفتگی می‌آورد اما علاقه تجربی بیرحم است. مهم جمع کردن میان این دو سطح از علاقه با هم است.

متین: اگر اجازه بفرمایید، یکی از سؤالهایی را که قصد داشتیم در یک فرصت مناسب با جناب‌عالی در میان بگذاریم، همین جا طرح کنیم. آیا دیدگاه جناب‌عالی در مورد حکومت اسلامی نظریه‌ای بر خاسته از یک دیدگاه فقهی به مسأله ولایت است یا اینکه دیدگاهی است از زاویه فلسفی، سیاسی درباره حکومت دینی که تنها در قالبی فقهی تبیین شده

است؟

حائری یزدی: همین طور است؛ نظریه من به فلسفه سیاسی نزدیکتر است. نظریه ولایت فقیه امام یک نظریه فقهی است. اما برخی ولایت عرفانی را با ولایت فقهی درآمیخته‌اند. مثلاً مرحوم ملا احمد نراقی عیناً به چنین مغالطه‌ای میان ولایت عرفانی که از سنخ حقیقیات است با ولایت فقهی که از جنس اعتباریات است دست زده است. میان ولایت عرفانی و ولایت فقهی صرفاً اشتراک لفظی برقرار است. به نظر من حکومت اسلامی از جنس امامت است نه از سنخ ولایت و سیاست، ولایت نیست امامت است و امامت، تالی تلو پیامبری است و مرتبه علم عنایی حق تعالی است. من در مورد تفکیک اعتباری از حقیقی مفصلاً در کتاب کاوشهای عقل نظری مباحثی را طرح کرده‌ام که می‌توانید به آنجا رجوع کنید. ابن سینا به این مبحث که در حوزه فلسفه علم است بیش از هر یک از فیلسوفان کلاسیک ما پرداخته است. هم در الهیات شفا و هم در اشارات به تفکیک علوم و معارف بر اساس مبادی (منها البرهان)، موضوعات (فیها البرهان) و مسائل (لها البرهان) اشاره کرده است. توضیح این موضوع وقت بیشتری می‌طلبد ولی خستگی به من مجال نمی‌دهد.

هقین: از جنابعالی سپاسگزاریم که در عین بیماری و کسالت به پرسشهای ما پاسخ دادید. امیدواریم با بهبود احوال جسمانی شما بتوانیم در مورد مسائل مطرح شده بیشتر از محضر شما بهره‌مند شویم.

حائری یزدی: بنده هم از شما متشکرم و موفقیت شما و سایر همکاران علمی شما را در پژوهشکده از خداوند خواستارم و قول می‌دهم در آینده اگر حالم خوب بود برای شما در مورد بحث تشکیک، که اهمیت ویژه‌ای دارد و چنانچه خوب فهمیده شود بحث وحدت وجود ابن عربی نیز به درستی فهمیده خواهد شد، صحبت کنم.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی